



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۶ آذر ۱۳۹۷

مصادف با: ۸ ربیع الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۳۶

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط ششم؛ مستعمل در خبث نبودن آب وضو

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که بین حکم به طهارت ملاقی با آب استنجاء و طهارت خود آب استنجاء ملازمه عرفی وجود دارد. عرفاً اگر مستفتی از مفتی در رابطه با حکم ملاقات کننده با آب استنجاء سؤال کند و مفتی در پاسخ او بگوید: «لأبأس»، مستفتی از پاسخ مفتی برداشت می‌کند که پس خود آب استنجاء نیز پاک است و لذا آثار مترتبه بر آن بار می‌شود و رفع خبث به وسیله آب استنجاء ممکن است.

نظر مرحوم سید (ره) این است که وضو گرفتن با آب استنجاء جایز نیست، لکن نظر مختار این شد که از باب ملازمه عرفی می‌توان به جواز وضو گرفتن با آب استنجاء [که متعقب طهارت بوده است] حکم کرد مگر اینکه دلیل خاصی مبنی بر عدم کفایت آب استنجاء در رفع حدث و خبث، پیدا شود.

اگر قول به طهارت آب استنجاء پذیرفته شود، سؤال این است که حکم آب استنجاء در کفایت یا عدم کفایت درباره رفع حدث و خبث چیست؟ به تعبیر دیگر، بعد از قول به طهارت آب استنجاء، چه آثاری بر آن مترتب می‌شود؟ اقوالی در این رابطه مطرح است.

قول اول، قول مرحوم صاحب حدائق (ره)^۱ و مرحوم محقق اردبیلی (ره)^۲ است. این دو بزرگوار فرموده‌اند که آب استنجاء، با شرائطی که برای آن ذکر شده است، جایز است که در رفع حدث و خبث استعمال شود.

دلیل قول مذکور، این است که آب استنجاء پاک است و شرعاً محکوم به طهارت است و بر هر آبی که طاهر باشد، آثارش مترتب می‌شود. بنابراین، آثار آب طاهر بر آب استنجاء نیز که محکوم به طهارت است، بار می‌شود لذا می‌توان از آن آب در رفع حدث و خبث استفاده کرد.

قول دوم، قول بعضی از محققین از متأخرین است. این بزرگان تفصیل قائل شده‌اند و گفته‌اند که استعمال آب استنجاء در رفع خبث کافی و جایز است، ولی استعمال آن در رفع حدث کافی و جایز نیست.

قول سوم، قول مرحوم شهید (ره) است که از طرف مرحوم آیت الله خویی (ره) مطرح شده است و آن، اینکه آب استنجاء نجس است و لذا نمی‌توان از آن در رفع حدث و خبث استفاده کرد و فقط ملاقی با آن آب نجس نمی‌شود و حکم به طهارت ملاقی با آب استنجاء نیز به خاطر روایاتی است که در این رابطه وارد شده است که سابقاً به آنها اشاره شد. این مطلب را مرحوم شهید (ره)

۱. یوسف بن احمد بن ابراهیم، بحرانی آل عصفور، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲. احمد بن محمد، اردبیلی (محقق اردبیلی)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۱، ص ۲۸۵-۲۸۸.

در ذکری بیان کرده است و همه کسانی که به نجاست آب استنجا قائل شده‌اند، معتقدند که ملاقی با آن، نجس نمی‌شود و گفته‌اند که آب استنجا تخصیص خورده است و از تحت عمومات دال بر منجس بودن نجس و متنجس خارج شده است لذا آب استنجا در عین حال که نجس است، منجس نیست. البته قول سوم، به عنوان یک قول قابل طرح نیست زیرا مبنا این است که آب استنجا پاک است، لکن سؤال این است که آیا استعمال آب استنجا در رفع حدث و خبث جایز است یا جایز نیست، ولی قول سوم بر طبق نجاست آب استنجا قابل طرح است.

قول سوم صحیح نیست زیرا همان‌طور که در جلسه قبل عرض شد، التزام به نجاست آب استنجا بر خلاف اقتضای عرفی است زیرا متفاهم عرفی از حکم به طهارت ملاقی با آب استنجا، این است که پس خود آب استنجا نیز پاک است لذا قول به نجاست آب استنجا، پذیرفته نیست، بلکه نظر مختار این است که آب استنجا پاک است، لکن سخن در این است که آیا آب استنجا فقط رافع خبث است یا علاوه بر اینکه رافع خبث است، رافع حدث نیز می‌باشد؟

به نظر می‌رسد که قول اول [قول مرحوم صاحب حدائق (ره) و مرحوم محقق اردبیلی (ره)] صحیح است، یعنی استعمال آب استنجا که محکوم به طهارت است، برای رفع حدث و خبث جایز است زیرا وقتی آب استنجا شرعاً محکوم به طهارت باشد - از یک طرف، روایات بر این دلالت دارند که ملاقی با آب استنجا نجس نیست و از طرف دیگر، عرفاً بین عدم نجاست ملاقی با آب استنجا و طهارت آب استنجا ملازمه وجود دارد، یعنی متفاهم عرفی این است که وقتی ملاقی با آب استنجا نجس نمی‌شود، پس حتماً خود آب استنجا نیز پاک است -، آثار آب طاهر بر آن مترتب می‌شود و یکی از آثار این است که آب طاهر می‌تواند رفع حدث و خبث کند و لذا آب استنجا نیز که شرعاً پاک است، می‌تواند رافع حدث و خبث باشد.

لکن ادعا شده است که اجماعاتی وجود دارند؛ مبنی بر اینکه آب استنجا نمی‌تواند رافع حدث باشد. ادعا شده است که اجماع وجود دارد که آب مستعمل در ازاله خبث نمی‌تواند رافع حدث باشد.

مرحوم علامه (ره) در منتهی اجماع مذکور را بیان کرده است و جمعی نیز از ایشان تبعیت کرده‌اند و خواسته‌اند که این اجماعات را به کرسی بنشانند که آب استنجا نمی‌تواند رافع حدث باشد.

عرض می‌شود که اجماعات ادعا شده، حداقل به دو دسته تقسیم می‌شوند که باید بررسی شود که این دو دسته، وافی به غرض و مراد گوینده می‌باشند یا وافی به غرض نیستند؟

بعضی از اجماعات ادعا شده، مشتمل بر کبرایی می‌باشند که بعضی عالمان آن کبری را بر موضوع مورد بحث تطبیق داده‌اند، یعنی در تعبیر اجماع، آب استنجا به کار نرفته است، بلکه تعبیر دیگری به کار رفته است که آن را بر موضوع مورد بحث تطبیق داده‌اند، مثل اینکه ادعا شده است که «الماء المزیل للنجاسة لیس رافعاً للحدث»، یعنی آبی که مزیل نجاست است [که الزاماً مربوط به آب استنجا نیست]، رافع حدث نیست. آنان این کبری را بر موضوع مورد بحث تطبیق داده‌اند و گفته‌اند که آب استنجا نیز از آب‌هایی است که مزیل نجاست است لذا نمی‌تواند رافع حدث باشد؛ به این نحو که آب استنجا مزیل نجاست است و هر آبی که مزیل نجاست باشد، رافع حدث نیست و بنابراین، آب استنجا نیز نمی‌تواند رافع حدث باشد.

دسته دوم، اجماعاتی می‌باشند که مشتمل بر آب استنجا است و مشتمل بر کبرایی که بر موضوع مورد بحث منطبق شود، نیست و نگفته است که هر آبی که مزیل نجاست است، رافع حدث نیست، بلکه گفته است که آب استنجا رافع حدث نیست.

پس اجماعات ادعا شده دو گونه‌اند؛ اول، اینکه ماء استنجا یکی از مصادیق کبرایی [آب مزیل نجاست] است که رافع حدث نیست و دیگری، اینکه آب استنجا رافع حدث نیست.

اشکال بر اجماعات مذکور

اجماع مذکور، نمی‌توانند دلیل دال بر طهارت آب استنجا [روایات دال بر پاکی ملاقی با آب استنجا و ملازمه عرفی بین طهارت ملاقی آب استنجا و طهارت خود آب استنجا] را زیر سؤال ببرند.

اولاً در جای خود ثابت شده است که اجماعات منقول معتبر نیستند لذا با توجه به اینکه هر دو دسته از اجماعات مذکور، اجماعات منقول می‌باشند، معتبر نیستند و نمی‌توان به آنها استناد کرد. مرحوم آیت الله خویی (ره) در تعریف اجماع منقول گفته‌اند که بزرگان ما فرموده‌اند که اجماع منقول، اجماعی است که نقل آن به حد تواتر نرسیده است تا مفید قطع به قول امام (ع) باشد و اجماع منقول از مرحوم علامه (ره) و تابعین ایشان مفید قطع به قول امام (ع)، مبنی بر عدم جواز استعمال آب استنجا در رفع حدث، نمی‌باشد و حتی این اجماع مفید ظن شخصی نیز نمی‌باشد.

ثانیاً اجماعات مذکور، مدرکی است و اجماع مدرکی اعتبار ندارد زیرا بعضی از مدعیان اجماع برای مدعی خود به روایت عبدالله بن سنان استناد کرده‌اند. اجماع، چه مدرکی باد و چه محتمل المدرکی باشد، اعتبارش به مستند اجماع است.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ يُتَوَضَّأَ بِالْمَاءِ الْمُسْتَعْمَلِ»؛ فَقَالَ: «الْمَاءُ الَّذِي يُغْسَلُ بِهِ الثَّوْبُ أَوْ يَغْتَسِلُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْجَنَابَةِ، لَا يَجُوزُ أَنْ يُتَوَضَّأَ مِنْهُ وَأَشْبَاهُ...»^۱.

تقریب استدلال به روایت فوق، این است که گفته‌اند که وضو در این روایت از باب مثال است و غرض مطلق رفع حدث است، یعنی با آبی که مزیل نجاست است یا آب استنجا شمرده می‌شود، نمی‌توان وضو گرفت و غسل با آن آب نیز جایز نیست، کما اینکه ثوب در این روایت نیز از باب مثال است. پس روایت مذکور، بر این دلالت دارد که آبی که مزیل نجاست باشد، نمی‌تواند رافع حدث باشد و آب استنجا نیز از مصادیق آب مزیل نجاست است لذا رفع حدث با آب استنجا نیز جایز نیست.

بنابراین، با علم به مدرک مجمعی یا احتمال مدرکی بودن اجماع آنها جایی برای تمسک به اجماع باقی نمی‌ماند و چنین اجماعی نمی‌تواند کاشف از قول معصوم (ع) باشد، بلکه باید روایت مذکور، از حیث سند و دلالت بررسی شود که چون روایت مذکور سنداً و دلالتاً ضعیف است، قابل استناد نیست. سند روایت مذکور، ضعیف است چون احمد بن هلال در سلسله سند مذکور قرار دارد و این شخص در کتب رجالی گاهی متهم به ناصبی بودن است و گاهی متهم به غلو است لذا توثیق نشده است و قابل اعتماد نیست. مرحوم شیخ انصاری (ره) فرموده است که بُعد بین المذهبین مثل بُعد بین المشرقین است لذا معلوم می‌شود که اصلاً این شخص دین ندارد.^۲

دلالت روایت مذکور نیز تمام نیست زیرا استدلال به این روایت در صورت قول به طهارت غسله به طور مطلق یا به طهارت بعضی از غسله‌ها و نجاست بعضی دیگر از غسله‌ها، تمام است، اما با قول به نجاست غسله، نمی‌توان به این روایت استناد کرد چون باید به مورد روایت اکتفا شود و مورد روایت، غسله نجس است و غسله نجس از موضوع مورد بحث [آب استنجا که به ملازمه عرفی پاک است،] خارج است.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الماء المضاف، باب ۹، ص ۲۱۵، ح ۱۳.

۲. شیخ انصاری، کتاب الطهارة، ص ۵۷.

بنابراین، نظر مختار این است که بر خلاف نظر مرحوم سید (ره)، آب استنجاء پاک است و استعمال آن آب برای رفع حدث و خبث جایز است؛ آن گونه که مرحوم صاحب حدائق (ره) و مرحوم محقق اردبیلی (ره) نیز معتقد بودند که آب استنجاء، هم رافع خبث است و هم رافع حدث است. البته اگر آب دیگری نزد شخص باشد و شخص به آب دیگری دسترسی داشته باشد احتیاط مستحب این است که شخص با آن آب دیگر وضو بگیرد.

«الحمد لله رب العالمین»